



از مرگ امیر تیمور (۱۳۸۰ ق) تا انقراض (۹۱۳ ق)

دکتر امیر تیمور رفیعی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تاریخ سیاسی ایران تیموریان

از مرگ امیر تیمور (۸۰۷ ق) تا انقراض (۹۱۳ ق)

دکتر امیر تیمور رفیعی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد محلات

سروش

تهران | ۱۴۰۰

شماره ترتیب انتشار: ۱۹۰۹



| سرشناسه: رفیعی، امیر تیمور، ۱۳۳۹ - |
 | عنوان و نام پدیدآور: تاریخ سیاسی، اجتماعی تیموریان از مرگ امیر تیمور (۸۰۷ ق.) تا انقراض (۹۱۳ ق.) /
 | امیر تیمور رفیعی |
 | مشخصات نشر: تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۴۰۰ |
 | مشخصات ظاهری: ۲۷۰ ص. |
 | فروست: سروش؛ ۱۹۰۹ | شابک: ۴-۱۹۲۲-۱۲-۹۶۴-۹۷۸ | ۸۵۰,۰۰۰ ریال |
 | وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا |
 | یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۵۹-۲۶۸ | موضوع: ایران -- تاریخ -- تیموریان، ۷۷۱-۹۱۱ ق. |
 | شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش |
 | رده‌بندی کنگره: ۱۰۸۶ DSR | رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۶۶ |
 | شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۸۴۱۸۵ | اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا |



انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

تاریخ سیاسی اجتماعی تیموریان |

از مرگ امیر تیمور (۸۰۷ ق.) تا انقراض (۹۱۳ ق.) |

| نویسنده: دکتر امیر تیمور رفیعی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد محلات) |
 | ویراستار: سمیه صوفی آبادی | صفحه‌آرا: رضوان السادات رضوی | طراح جلد: جعفر اسکندری هریس |
 | چاپ اول: ۱۴۰۰ | قیمت: ۸۵۰,۰۰۰ ریال | شابک: ۴-۱۹۲۲-۱۲-۹۶۴-۹۷۸ |
 | این کتاب در پانصد نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد. |
 | تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، ساختمان سروش |
 | مرکز پخش: ۸۸۳۱۰۶۱-۶۶۴۹۳۶۲۲ سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۵۳۵۶ |
 | همه حقوق محفوظ است. | www.sorushpub.com |

فهرست

مقدمه..... ۹

بخش اول: جانشینان امیر تیمور گورکانی

فصل اول: اوضاع سیاسی- نظامی در قلمرو فرمانروایی تیموریان..... ۲۹

۱- مرگ امیر تیمور (۸۰۷ ق/ ۱۴۰۵ م) و پیامدهای سیاسی آن..... ۲۹

۲- میرزا خلیل سلطان (۸۱۴- ۸۰۷ ق/ ۱۴۱۲- ۱۴۰۵ م)..... ۳۱

۳- اوضاع مناطق غرب و شمال غربی ایران بعد از مرگ امیر تیمور..... ۴۱

۴- تحولات سیاسی و نظامی مناطق مرکزی ایران پس از مرگ امیر تیمور..... ۴۵

فصل دوم: سلطنت شاهرخ (۸۰۷- ۸۵۰ ق/ ۱۴۰۷- ۱۴۴۷ م)..... ۵۲

۱- شاهرخ و حلّ مسأله جانشینی امیر تیمور..... ۵۲

۲- تاج‌گذاری شاهرخ در هرات..... ۵۵

۳- حمله دوم شاهرخ به مازندران..... ۶۱

۴- شورش امیر جهان ملک علیه شاهرخ..... ۶۲

۵- شورش امیر شیخ نورالدین..... ۶۵

۶- شورش محمد اسپهبد غوری ضد شاهرخ..... ۶۶

۷- تسخیر خوارزم توسط شاهرخ..... ۶۸

۸- لشکرکشی شاهرخ به آذربایجان (۸۲۳ ق/ ۱۴۲۰ م)..... ۷۱

۹- شورش سلطان محمد پسر میرزا بایسنقر..... ۸۱

۱۰- مرگ شاهرخ (۸۵۰ ق/ ۱۴۴۷ م)..... ۸۳

فصل سوم: جانشینان شاهرخ (۸۵۰-۹۱۳ ق/ ۱۴۴۷-۱۵۰۸ م).....	۸۵
۱- کشمکش با زماندگان شاهرخ بر سر جانشینی.....	۸۵
۲- الغ بیک (۷۹۶-۸۵۳ ق/ ۱۳۹۲-۱۴۴۹ م).....	۸۸
۳- مرگ الغ بیک (۸۵۳ ق/ ۱۴۴۹ م).....	۹۵
۴- منازعات جانشینی الغ بیک در سمرقند.....	۹۷
۵- ابوسعید گورکانی (۸۵۵-۸۷۳ ق/ ۱۴۵۰-۱۴۶۹ م).....	۱۰۰
۶- میرزا سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱ ق/ ۱۴۷۱-۱۵۰۶ م).....	۱۰۶
۷- انقراض حکومت تیموریان در ایران.....	۱۱۴

بخش دوم: اوضاع اجتماعی- اقتصادی تیموریان

فصل اول: نظام اداری- حکومتی تیموریان.....	۱۲۵
۱- مقدمه.....	۱۲۵
۲- چهارچوبه های جغرافیایی حکومت تیموریان.....	۱۲۷
۳- تشکیلات حکومتی تیموریان.....	۱۲۹
الف- امیران و رزم آوران.....	۱۳۶
ب- وزراء و دیوانیان.....	۱۴۱
۱. خواجه غیاث الدین سالار سمنانی.....	۱۴۲
۲. سید فخرالدین محمد.....	۱۴۴
۳. خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی.....	۱۴۶
۴. خواجه نعیم الدین نعمه الله قهستانی.....	۱۴۷
۵. خواجه قوام الدین نظام الملک خوافی.....	۱۴۸
۶. خواجه افضل الدین محمد کرمانی.....	۱۵۰
فصل دوم: اوضاع اجتماعی در قلمرو حکومت تیموریان.....	۱۵۲
۱- اوضاع و احوال عمومی.....	۱۵۲
۲- گروه ها و قشرهای اجتماعی.....	۱۵۵
الف- شاهزادگان و سلاطین.....	۱۵۵

ب- امرا و نظامیان.....	۱۵۶
ج- گروه‌های مذهبی.....	۱۵۹
۳- نهضت‌های مردمی.....	۱۶۱
الف- شورش سلطان علی سبزواری سربداری.....	۱۶۲
ب- نهضت حروفیه.....	۱۶۷
فصل سوم: اوضاع اقتصادی در قلمرو حکومت تیموریان.....	۱۷۱
۱- پیشینه مطالعاتی.....	۱۷۱
۲- وضع اقتصاد روستایی در عهد تیموریان.....	۱۷۴
۳- اشکال و اقسام زمین‌داری در عهد تیموریان.....	۱۸۲
۴- شهرهای خراسان در عهد تیموریان.....	۱۹۲
۵- اقتصاد داخلی شهرها.....	۱۹۸
۶- سکه‌های تیموری.....	۲۰۵
فصل چهارم: سیاست مذهبی امیر تیمور و سلاطین تیموری.....	۲۰۹
۱- سیاست مذهبی امیر تیمور گورکانی.....	۲۰۹
۲- سیاست مذهبی شاه‌رخ.....	۲۱۵
۳- الغ‌بیک و گرایش‌های مذهبی او.....	۲۲۱
۴- ابوسعید و خواجه عبیدالله احرار نقشبندی.....	۲۲۸
۵- سلطان حسین بایقرا و توسعه شیعه.....	۲۳۲
۶- اوضاع مذهبی ایران در عهد تیموریان.....	۲۳۷
۷- وضع عمومی تصوف در قرون هشتم و نهم هجری قمری.....	۲۴۰
الف- سلسله نوربخشیه.....	۲۴۳
ب- سلسله نعمت‌اللهیه.....	۲۴۶
ج- سلسله نقشبندیه.....	۲۴۷
نتیجه.....	۲۵۱
تصویرها.....	۲۵۵
منابع و مآخذ.....	۲۶۱
مقالات.....	۲۶۹

مقدمه

در سال ۱۳۹۰ خورشیدی، پس از انتشار نخستین جلد از مجموعه تاریخ تیموریان، با نام "ظهور تیمور و فتح سراسری ایران" - که به شکر خدا مورد توجه اهل فرهنگ و تاریخ قرار گرفت. وعده داده بودم تا در زمانی نه چندان دور جلد دوم این مجموعه که مربوط به وقایع سیاسی و نظامی دوران جانشینان امیر تیمور است و سپس جلد سوم که مشخصاً اوضاع اداری، تشکیلات حکومتی، اقتصادی و مذهبی تیموریان را بررسی خواهد کرد، منتشر نمایم. اما متأسفانه مشغله‌های متعدد در عرصه‌های آموزشی، اداری و اجرایی یک چند این مهم را به تأخیر انداخت. اینک پس از گذشت نه سال از آن تاریخ، بسیار خوشحالم که این فرصت دوباره، البته در شرایط و اوضاع و احوالی که در عصر استثنائی انتشار جهانی ویروس جانکاه کووید ۱۹ و همه‌گیری کرونا به سر می‌بریم، برایم حاصل شد تا بتوانم ادامه تحقیقاتم را در زمینه تاریخ سیاسی-اجتماعی تیموریان منتشر نمایم.

قرار بود دوران جانشینان امیر تیمور را در دو جلد جداگانه به چاپ برسانم، اما به دلایل مختلف از جمله کمتر کردن حجم مطالب مربوط به اوضاع سیاسی و نظامی جانشینان امیر تیمور و هم‌چنین برای سهولت در چاپ و دسترسی راحت‌تر به کتاب و مطالعه آن، کوشیدم آن دو بخش را با یکدیگر ادغام نموده و در یک جلد منتشر نمایم. بنابراین هر دو جلد تاریخ سیاسی - نظامی و اداری-اقتصادی و مذهبی دوران جانشینان امیر تیمور در یک جلد تنظیم شد.

مجموعه حاضر در دو بخش تدوین گردیده است: بخش اول که خود به سه فصل

مجزا تقسیم شده است، تاریخ تحولات سیاسی و نظامی امپراتوری تیموری از زمان درگذشت امیر تیمور (۸۰۷ ق / ۱۴۰۵ م) تا انقراض سلسله تیموری (۹۱۳ ق / ۱۵۰۷ م) را در بر می‌گیرد. در فصل اول این بخش، اوضاع سیاسی-نظامی مناطق مختلف امپراتوری که شامل آذربایجان، فارس، خراسان بزرگ و ماوراءالنهر می‌شود تبیین شده و سپس چگونگی بر تخت نشستن میرزا خلیل سلطان در سمرقند و پیامدهای سیاسی و نظامی آن در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم مسأله جانشینی امیر تیمور و چگونگی حل آن توسط شاهرخ و بر تخت نشستن وی مورد توجه بوده است. در واقع می‌توان دوران سلطنت چهل و سه ساله شاهرخ را از موفق‌ترین و پرشکوه‌ترین دوران حکومت تیموریان در عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر و مذهب در ایران به‌شمار آورد. فصل سوم به تبیین تحولات سیاسی و نظامی دولت تیموریان در دوران مدعیان جانشینی شاهرخ، یعنی الغ بیگ، ابوالقاسم بابر، علاالدوله، سلطان ابوسعید بهادرخان و در نهایت دوران سی و هشت ساله فرمانروایی سلطان حسین بایقرا، تا انقراض این حکومت، اختصاص یافته است.

بخش دوم نیز شامل چهار فصل است: ابتدا در فصل آغازین چارچوب‌های جغرافیایی و نظام حکومتی، اداری و دیوان سالاری تیموریان ترسیم شده است و آن‌گاه در فصل دوم اوضاع اجتماعی در قلمرو تیموریان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و سپس وضعیت و جایگاه گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی و نقش آن‌ها در تحولات سیاسی این دوره تبیین گردیده است. فصل سوم به بررسی اوضاع اقتصادی و وضعیت شهرهای خراسان بزرگ در دوران حکومت تیموریان اختصاص یافته و نشان داده شده است که بسیاری از شهرهای خراسان بزرگ، که در واقع مرکز فرمانروایی امپراتوری تیموری به‌شمار می‌رفت، در دوره حکومت تیموریان، به دلیل حمایت سلاطین و امیرزادگان تیموری از رونق و آبادانی بسیار خوبی برخوردار گردید. در فصل چهارم این بخش، مسائل مذهبی تیموریان بررسی شده و سیاست مذهبی سلاطین تیموری در بوته نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

مرگ امیر تیمور در سال ۸۰۷ ق / ۱۴۰۵ م، امپراتوری را با مشکلات و مسائل پیچیده‌ای روبه‌رو ساخت. دوره‌ای که آتش جنگ‌های داخلی میان فرزندان و نوادگان وی در سراسر امپراتوری شعله‌ور گردید، به‌گونه‌ای که به‌نظر می‌رسید امپراتوری تیمور پس از مرگش دوام نیابد و به دست فرزندان و نوادگان و امیرانی که روزی متحد وی بودند تجزیه و متلاشی

شود. وصیت امیر تیمور برای جانشینی مغفول گزارد شده و از حمایت فرزندان و نوادگانش نیز برخوردار نشد. امپراتوری تیموری به سرعت دست خوش کشمکش‌های نظامی خون‌باری میان نوادگانش گردید. شاه‌رخ، شایسته‌ترین فرزند امیر تیمور و فرمانروای خراسان بزرگ، که ابتدا قصد دخالت در امور ماوراءالنهر را نداشت، برای حل مسأله جانشینی مجبور به مداخله شد و به نفع پیرمحمد، وصی تیمور، علیه خلیل سلطان، که بی توجه به وصیت امیر تیمور، خود را جانشین امیر تیمور قلمداد کرده و در سمرقند بر تخت نشسته بود، وارد عمل شد.

شاه‌رخ، کوچک‌ترین فرزند امیر تیمور، پس از مرگ پدرش موفق شد مهم‌ترین مناطق امپراتوری تیموری را در اختیار گیرد. او از سال ۸۰۷ ق/ ۱۴۰۴ م تا سال ۸۵۰ ق/ ۱۴۴۶ م در هرات با تدبیر و شجاعت سلطنت کرد و پایه حکومت تیموریان را تحکیم بخشید. شاه‌رخ برخلاف پدرش یک جهان‌گشا نبود، اما به مانند او، هم اهل جنگ بود و هم خواهان صلح. در نیمه اول حکومتش و برای تثبیت و تحکیم قدرت، یک رشته جنگ‌های داخلی میان او و مخالفانش درگرفت، اما در نیمه دوم سلطنت شاه‌رخ، امنیت و آرامش حاکم شد و به دنبال آن شکوفایی فرهنگ و هنر در امپراتوری ایجاد گردید. شاه‌رخ نیز مانند تیمور و حتی بیش از وی استقلال ایلات را محترم شمرد.

به دنبال مرگ شاه‌رخ، قلمرو تیموریان دچار تجزیه داخلی و کشمکش‌های خون‌باری برای جانشینی شد. این کشمکش‌ها روزه‌به‌روز قلمرو امپراتوری را کوچک‌تر کرد. در حالی که تیموریان مشغول جنگ‌های داخلی بودند، همسایگان‌شان یعنی شیانی‌ها در شرق و ترکمانان در غرب، فشار خود را به درون مرزهای تیموری بیشتر می‌کردند. دوران سلطان حسین بایقرا بیشترین قسمت‌های امپراتوری از دست تیموریان خارج شد و قلمرو آنان فقط محدود به خراسان و مازندران و بخش‌های زیادی از سیستان گردید. با وجود این، دوران سی و هفت ساله حکومت سلطان حسین بایقرا در اثر آرامش و امنیت خوبی که برقرار شد، باعث رونق فرهنگ، هنر و ادبیات فارسی و ترکی شد. مرگ سلطان حسین بایقرا در ۹۱۱ ق/ ۱۵۰۵ م سرانجام خوشی برای تیموریان در بر نداشت. فرزندان وی نتوانستند از پیشروی دودمان شیانی به درون شهرهای خراسان جلوگیری کنند. بدین‌گونه تیموریان در مرزهای خود با دو رژیم سیاسی جدید روبه‌رو شدند؛ صفویان به رهبری شاه اسماعیل که از تبریز مرزهایش را به سوی مناطق مشرق ایران گسترده می‌کرد و شیانی‌ها که پس از فتح ماوراءالنهر، خراسان را نیز فتح نموده و حکومت تیموری مستقر در خراسان را در

سال ۹۱۳ق/۱۵۰۷م منقرض کردند. پس از آن بود که شعبه دیگری از آنان به سرداری ظهیرالدین محمد بابر، مصمم به فتح شهرهای هندوستان شده و در نهایت موفق به تأسیس دولت تیموریان دهلی در هندوستان شدند.

در پایان، بر خود لازم می‌دانم با گرامی‌داشت یاد استاد زنده‌یاد جناب دکتر عبدالحسین نوائی، از استاد فرهیخته و دانشمند جناب دکتر رضا شعبانی و هم‌چنین جناب استاد دکتر اللهیار خلعتبری که در تدوین این پژوهش از خرمن فضلشان بهره‌ها بردم، سپاسگزاری نمایم. هم‌چنین از دوست و همکارم جناب دکتر حمیدرضا جدیدی که متن حاضر را از آغاز تا پایان مطالعه نموده و نکات ارزشمندی را یادآور شدند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

هم‌چنین از مدیر عامل محترم و فاضل انتشارات سروش جناب آقای دکتر سعید کرمی و نیز جناب آقای ناصر عابدی، محقق ارجمند و فاضل که بزرگوارانه زمینه چاپ این اثر را فراهم نموده و همراهی و همدلی لازم را مبذول داشتند، نهایت سپاس و قدردانی خود را بیان می‌دارم. تذکرات اهل فضل و بیان نکات اصلاحی و تکمیلی از طرف استادان، محققان و دانشجویان گرامی حوزه تاریخ را مشتاقانه و با آغوش باز پذیرایم و پیشاپیش از این عزیزان نهایت امتنان را دارم.

دکتر امیر تیمور رفیعی؛

اسفند ماه ۱۳۹۹ تهران

نگاهی به منابع

دوران تیموری یکی از ادوار مهم در تاریخ نگاری ایرانی است. در واقع تاریخ نگاری این دوره تکامل تاریخ نگاری عهد مغول و ایلخانی به شمار می رود. تنوع و گسترشی که در عرصه تاریخ نگاری عهد تیموری به وجود آمد، بی گمان جایگاهی پراچ در تاریخ نگاری ایرانی داشته و در کمتر دوره ای می توان مشابه آن را یافت. آثار عظیم و گران قدری در زمینه تاریخ نگاری عهد تیموری به رشته تحریر در آمد که هر کدام در جایگاه خود کم نظیر و حتی بی نظیر است. تاریخ نگاری عهد تیموری دارای ویژگی هایی است که به برخی از آن ها اشاره می شود.

نخستین مطلبی که در تاریخ نگاری عهد تیموری جلب نظر می کند، این است که نوشتن تاریخ از انحصار صاحب منصبان حکومتی، دیوانی و دبیران در آمد و به جای آنان ادیبان، دانشمندان و فرهیختگان روزگار به نوشتن تاریخ مبادرت جستند. این عامل باعث شد تا تاریخ نگاری نیز مانند سایر علوم ادبی هم چون شعر و نثر فارسی، از کثرت و تنوع زیادی برخوردار شده و در عین حال نثر کتب تاریخی نیز بسیار ساده تر، قابل فهم تر و حتی ادیبانه تر از نثر ادوار پیش و پس از خود باشد. مورخ عهد تیموری نسبت به همتای خود در عهد مغول و ایلخانان آزادتر بود و مسائل بسیاری در مورد خصوصیات و افعال شخصی امیران و سلاطین را در نوشته های خود آورده است؛ به عنوان مثال "شراب خواری امیر تیمور و دیگر امیرزادگان تیموری نظیر بایسنقر میرزا" که چنین رویه ای به طور معمول در میان مورخان قبل و بعد از تیموری دیده نشده است، چون بیشتر آنان از میان وزراء، دبیران و صاحب منصبان حکومتی بودند و جانب احتیاط را رعایت می کردند و خصوصیات و

رفتارهای نکوهیده سلاطین را مکتوم نگه می‌داشتند.

دومین مطلبی که در رشد و گسترش تاریخ‌نگاری عهد تیموری تأثیرگذار بود، حمایت و تشویق سلاطین این سلسله از تاریخ‌نگاران، دانشمندان، ادبا، فضلا و علما بود. اغلب سلاطین این سلسله از امیر تیمور و شاهرخ تا سلطان حسین بایقرا، همگی حامی و مشوق اهل ادب، هنر، شعر، دانش و فرهنگ بودند و همواره جمعی از ادیبان، هنرمندان، علما، نویسندگان و دانشمندان در کنار آنان به خلق آثار علمی، ادبی و هنری مشغول بودند. نظام شامی در اثر خود به نام ظفرنامه آورده است که:

”اما بعد سبب تحریر این کتاب آنست که در سنه اربع ثمان مئه، بندگان حضرت امیر صاحب قران خلدالله ملکه علی مژ الزمان به احضار بنده کمینه نظام شامی مثال داد و چون به شرف بساط بوس مفتخر گشتم بعد از تقدیم مراسم و نوازش و اکرام و تمهید وظایف لطف و انعام در مقام تربیت و بنده‌پروری اشارت عالی نفاذ یافت تا تاریخی که جهت آن حضرت و صادرات افعال ایشان از مبدأ ظهور این دولت ابد پیوند الی یومنا نوشته‌اند و ترتیب آن کما ینبغی به تقدیم نرسیده این بنده به تنقیح و ترتیب و تنسیق و تبویب آن مشغول گردد، به شرطی که از حلیه تکلف و پیرایه تصلف مصون و محروس باشد و از شیوه سخن‌آرایی و نقش‌پیرایی محیی و محفوظ ماند. چه کتبی که برآن منوال پرداخته‌اند و به شیوه تشبیه و استعارات آراسته مقصود در میان فوت می‌شود و اگر یک کس که از نصاب سخن نصیبی دارد معانی آن فهم می‌کند ده دیگر بلکه صد دیگر از درک مقاصد آن عاجزند و لهذا نفع آن عام و فایده آن تمام نیست.“ (نظام شامی، ۱۳۶۳، ص ۱۰)

اما مطلب دیگری که به رشد و گسترش علم و ادب و هنر و معماری، خصوصاً تاریخ‌نگاری عهد تیموری کمک نمود، مال و ثروت فراوانی بود که توسط سلاطین تیموری در این راه هزینه شد؛ اموال و ثروتی که توسط امیر تیمور از فتح شهرها و سرزمین‌های بی‌شمار فراهم و در سمرقند انباشته گردید. سلاطین تیموری از این ثروت بی‌کرانی که به دستشان افتاده بود به خوبی بهره‌برده و به تشویق و ترغیب اهل علم و ادب و هنر و تاریخ‌نگاران برآمدند. سلاطینی هم چون شاهرخ فرزند امیر تیمور، الغ‌بیک، ابراهیم سلطان و بایسنقر میرزا که همگی فرزندان شاهرخ بودند، سلطان حسین میرزا بایقرا آخرین سلطان تیموری و بسیاری از امیران و امیرزادگان دیگر، که همگی خود یا شاعر و خطاط و نقاش بودند و یا عالمان ریاضی و نجوم، تحت حمایت آنان فرهیختگان عصر به خوشی و

آسایش به خلق آثار علمی و ادبی و هنری می‌پرداختند.

برای مطالعه و تحقیق در تاریخ جغتائیان که خاستگاه امیر تیمور نیز بود، منابع مکتوب محلی و تاریخ‌نگاری مستقل وجود ندارد. بنابراین برای تحقیق در تاریخ الوس جغتائیان باید به منابع همسایگان آنان یعنی ایلخانان و سپس منابع عهد تیموری رجوع نمود؛ نظیر آثار مورخانی چون عطاالملک جوینی، صاحب تاریخ جهانگشای و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر و طبیب غازان‌خان که اثر عظیم و گران‌قدر جامع‌التواریخ را تدوین نمود و نیز شرف‌الدین (یا شهاب‌الدین) عبدالله بن فضل‌الله شیرازی صاحب تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار، مشهور به تاریخ و صاف، که البته از منظری نه چندان دوستانه به فرمانروایان جغتائی نظر داشتند.

غیاث‌الدین علی یزدی به احتمال زیاد در سال ۸۰۲ ق یعنی یک سال پس از بازگشت امیر تیمور از فتح هندوستان، اثر خود به نام "سعدت‌نامه" و یا روزنامه غزوات هندوستان که بیشتر مباحث آن شرح جنگ‌ها و فتوحات تیمور در هند است را به رشته تحریر درآورد. اما در عین حال این منبع شرحی نیز در خصوص رویدادهای سیاسی سیستان، مازندران و هرات و حمله شاه منصور به یزد و مقابله امیر تیمور با وی و سپس حرکت امیر تیمور به همدان و فارس آورده است که در تحقیق و تبیین رویدادهای سیاسی، اجتماعی شرق و مرکز ایران، مقارن ظهور تیمور با اهمیت و درخور توجه است. ظاهراً اثر فوق به خاطر مستجع بودنش مورد توجه تیمور قرار نگرفته است. بنابراین امیر تیمور در سال ۸۰۴ ق از نظام‌الدین شامی خواست که تاریخ فتوحات او را به صورت روان بنویسد تا همه مردم آن را بفهمند. این منبع توسط شادروان ایرج افشار در مجموعه انتشارات میراث مکتوب به سال ۱۳۷۹ چاپ شده است.

مورخ دیگری که موظف شد تا در رکاب امیر تیمور و در لشکرکشی‌های وی حضور داشته و شرحی روشن، ساده و روان از فتوحات تیمور را بنویسد، نظام شامی بود. شامی اهل شنب‌غازان از توابع تبریز بود. وی مدتی از عمر خود را در خدمت سلطان اویس جلایری و سلطان احمد پسر اویس در بغداد گذراند. پس از فتح بغداد توسط تیمور از جمله اولین کسانی که جهت عرض ارادت نزد تیمور رفتند شامی بود. اولین ارتباط مستقیم امیر تیمور و شامی طبق تصریح مؤلف، در سال ۸۰۴ ق بوده است. امیر تیمور او را مأمور تدوین کتابی در احوال و فتوحات خود نمود. از همین زمان شامی به طور مستقیم در اردوی تیمور همراه

وی بود. او شرح جنگ‌ها و فتوحات تیمور را تا سال ۸۰۶ ق نوشت و به تیمور تقدیم کرد. امیر تیمور نیز نام آن کتاب را "ظفرنامه" گذاشت. شامی از اسناد و منشآت و نوشته‌های نویسندگان معتبری که آثار آن‌ها را در اختیار داشته، نظیر غیاث‌الدین علی یزدی استفاده کرد. علاوه بر آن منابع، شامی که مورخی صادق بوده است، از مشاهدات و تجربیات خود نیز بهره برده و کتابش را تدوین کرد. اثر وی پایه و اساس نوشته‌های مورخان بعدی هم چون شرف‌الدین علی یزدی، حافظ ابرو و دیگر مورخان عهد تیموری قرار گرفت.

شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید البهدادینی الخوافی الهروی، مشهور به حافظ ابرو، یکی از مورخان بزرگ و پرکار عهد تیموری است. وی از جوانی در سلک خدمت‌گزاران تیمور درآمد و مورد توجه قرار گرفت. او در حمله امیر تیمور به حلب و دمشق در سال ۸۰۳ ق در اردوی وی بود و پس از مرگ تیمور، به خدمت شاهرخ و پسرش بایسنقر درآمد. حافظ ابرو، نویسنده‌ای چیره‌دست و در عین حال شاعری توانا بود. او با بزرگان از عرفا، مشاهیر و نویسندگان عصر خویش نشست و برخاست داشت و به زبان‌های عربی، ترکی و فارسی دری به خوبی آگاه بود. حافظ ابرو آثار زیادی در تاریخ و جغرافیا از خود برجای گذارد که هر کدام از آن‌ها در نوع خود بی‌نظیر است؛ از جمله "ذیل ظفرنامه نظام‌الدین شامی" که بسیار مختصر است، "ذیل جامع‌التواریخ رشیدی" که توسط خان بابا بیانی تصحیح شد و انجمن آثار ملی در سال ۱۳۵۰ آن را به چاپ رساند، "تاریخ ملوک کرت" و آثار دیگری که هنوز به چاپ نرسیده است. حافظ ابرو همه آثار تاریخی خود را در کتاب "مجمع‌التواریخ سلطانیه" مجدداً گردآورد. مهم‌ترین اثر تاریخی حافظ ابرو "زبدۃ‌التواریخ بایسنقری" است که به نام پسر شاهرخ تیموری تألیف شده و وقایع تاریخی عهد تیموری را از سال ۷۳۶ ق یعنی سال تولد امیر تیمور تا سال ۸۳۰ ق در بر دارد. این کتاب در چهار مجلد توسط سید کمال حاج سید جوادی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نشر نی به چاپ رسید که ابتدا دو جلد آن در سال ۱۳۷۲ و سپس دو جلد بعدی به سال ۱۳۸۰ چاپ شد. علاوه بر این آثار تاریخی که از وی باقی مانده، حافظ ابرو اثری ارزشمند نیز در جغرافیا دارد که در آن علاوه بر ذکر ویژگی‌های جغرافیایی شهرهای ایران و مناطق و نواحی سرزمین‌های اسلامی مانند دیار عرب، مغرب، اندلس، مصر و شام، تاریخ محلی برخی از ایلات و ولایات را نیز شرح داده است که برای بررسی تاریخ‌های محلی موجود در ایران در عهد تیموری، بسیار ارزشمند و مفید است و در فصل سوم از بخش

دوم کتاب حاضر که مربوط به اوضاع اقتصادی تیموریان است نیز به طور وسیعی مورد استفاده قرار گرفته است. هم‌چنین جغرافیای حافظ ابرو یکی از منابع اصلی برای مطالعه تاریخ آل مظفر است که زمان زیادی در کرمان، فارس و مناطق مرکزی ایران فرمانروایی می‌کردند. حافظ ابرو کتابش را با نثری روان و عاری از تکلف نوشته و معنا و مفهوم را فدای لفاظی‌های ادیبانه نکرده و آثارش از هرگونه تقلید به دور است. حافظ ابرو نویسنده‌ای آگاه بوده و از تاریخ درک روشن و درستی داشته است. او در بخش نخست جغرافیایش، علم تاریخ را تعریف کرده و از حقیقت و فواید آن علم سخن گفته است.

شرف‌الدین علی یزدی، مورخ، شاعر، عالم، عارف و از منشیان مشهور عهد تیموری است که آثار زیادی در شعر، حساب، معما، منشآت و تاریخ از خود برجای گذاشت. او یک چند در ایام جوانی در خدمت شاه یحیی مظفری در یزد به سر برد، اما پس از فتح آن شهر توسط امیر تیمور به خدمت تیموریان درآمد. یزدی مدتی از عمر خود را در دربار شاهرخ گذراند و بعدها از ندمای خاص ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ تیموری شد. یزدی اثر مشهورش در تاریخ احوالات تیمور را که به ظفرنامه مشهور است، با تشویق و حمایت ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ بین سال‌های ۸۲۲ق تا ۸۳۱ق در شیراز نوشت. یزدی برای نوشتن ظفرنامه، همه آثار عهد تیموری، از جمله منابع تاریخی، اسناد و مدارک، نامه‌ها و فرمان‌ها، پیمان‌ها، گزارش‌ها و نقشه‌های نظامی و حتی سخنان امیر تیمور را گرد آورد. او علاوه بر مدارک و اسناد مکتوب، شنیده‌ها و دیده‌های خود را نیز در کتابش نقل کرده است. اهمیت این کتاب آن‌چنان است که توانست جایگزین بسیار خوبی برای ظفرنامه شامی گردد. ظفرنامه یزدی یکی از منابع اصلی نویسندگان و مورخان بعدی گردید. مورخان و نویسندگان پس از وی، ظفرنامه را مورد تمجید و تکریم قرار داده و آن را "دزی جهان‌افروز" وصف کرده‌اند. یزدی، ظفرنامه را با سبک ادیبانه و در واقع به تقلید از سبک جهانگشا، اثر گران‌بهای عظاملک جوینی نگارش کرده است. یزدی مقدمه کتاب را در سال ۸۲۲ق به پیشنهاد ابراهیم سلطان شروع به نگارش کرد و نام آن را تاریخ جهانگیر نهاد. ابراهیم سلطان در صدد بود تا شجره‌نامه‌ای از جدش امیر تیمور ترتیب دهد، بنابراین به یزدی دستور می‌دهد که مقدمه را به گونه‌ای بنویسد که شجره جدش تیمور به حضرت آدم متصل شود.^۱ یزدی ناچار شد برای نوشتن این مقدمه آثاری که درباره چنگیزخان و اسلاف و اخلاف وی توسط بخشیان ترکستان و منشیان بزرگ دولت، به ترکی نوشته شده و از هیچ

نظم و ترتیبی برخوردار نبود، مورد استفاده قرار داده و پس از مطالعه و تلخیص آن‌ها، تاریخ جهانگیر را به نگارش درآورد.

معین‌الدین نطنزی، اثری ارزشمند به نام "منتخب‌التواریخ" در تاریخ عمومی برجای گذاشته که از عهد آدم تا وفات تیمور و چند سالی بعد از او را دربرمی‌گیرد. او از اهالی سیستان و شیعه بود که بعدها در فارس در خدمت اسکندر میرزا پسر عمر شیخ، یکی از فرزندان امیر تیمور، به خدمت پرداخت اما پس از مرگ اسکندر به نزد شاهرخ رفت. منتخب‌التواریخ یک بار در سال ۸۱۶ ق به نام اسکندر نگارش یافت و به وی تقدیم شد. اما در سال ۸۱۷ ق که اسکندر از حکومت فارس توسط شاهرخ خلع گردید، مؤلف کتابش را مورد تجدیدنظر قرار داد و قسمت‌هایی که در آن از اسکندر به نیکی یاد کرده و از شاهرخ بد گفته بود، حذف نموده و کتاب را مجدداً در ۲۲ رجب ۸۱۷ ق پس از بازنگری، در هرات به شاهرخ تقدیم نمود. در این کتاب، وقایع تاریخی مربوط به ملوک شبانکاره، ملوک هرمز، ملوک یزد و کرمان و لرستان، فرمانروایان اردوی زرین یا اولاد جوجی، ذکر فرمانروایان الوس جغتائیان، هلاکو خان مغول و ایلخانان، آل چوپان، آل جلایر، آل مظفر و در پایان شرح احوال امیر تیمور و لشکرکشی‌های او در ایران و عثمانی گرد آمده است. این منبع ابتدا توسط ژان اوبن تصحیح و چاپ شد و سپس خانم پروین استخری بر اساس همان چاپ اوبن اما با رفع اغلاط و موارد مبهم، مجدداً مبادرت به چاپ آن توسط انتشارات اساطیر در سال ۱۳۸۳ نمود. منتخب‌التواریخ دارای نثری روان و ساده است اما در جای جای متن از لغات ترکی، مغولی و عربی نیز استفاده شده است. منتخب‌التواریخ شامل گزارش‌های ارزشمندی از خاستگاه امیر تیمور یعنی ماوراءالنهر و خان‌نشین جغتائی و مناطق مرکزی ایران یعنی یزد، کرمان، فارس، لرستان و شبانکاره است و چون با دربار اسکندر در شیراز پیوستگی داشته، اطلاعات گران‌بهایی در مورد آن مناطق به دست داده است.

قاضی القضاات شهاب‌الدین ابومحمد احمد بن محمد بن عبدالله دمشقی، معروف به ابن عربشاه، در سال ۸۴۰ ق کتابی در شرح زندگانی امیر تیمور، موسوم به "عجایب المقدور فی اخبار تیمور" به زبان عربی شیوا نگاشت. ابن عربشاه کودکی دوازده ساله بود که همراه خانواده‌اش به سمرقند کوچانده شد. او مدت هشت سال در سمرقند اقامت گزید و از محضر استادانی چون میر سید شریف جرجانی، ابن اثیر جززی و علمای دیگر به قدر توان علوم رایج زمان را فراگرفت. او در مدتی که در سمرقند بود زبان و ادبیات فارسی و زبان ترکی و مغولی را نیز آموخت. ابن عربشاه پس از سال ۸۱۱ ق یک چند به شهرهای ختا از شهرهای

ترکستان شرقی و خوارزم رفته و در آن شهرها نیز به کسب دانش پرداخت. آن گاه به عثمانی رفت و در شهر ادرنه به خدمت سلطان عثمانی محمد اول پسر بایزید اول درآمد. در آن شهر او سمت معلمی سلطان مراد دوم پسر محمد اول را بر عهده گرفت. هم چنین منشی و دبیر مخصوص سلطان محمد عثمانی گردیده، انشاء و نگارش رسائل عربی، پارسی، ترکی و مغولی بدو واگذار شد. وی کتاب‌های مختلفی از زبان فارسی و عربی به ترکی ترجمه کرده است. او پس از مرگ سلطان محمد اول از ادرنه به حلب و از آنجا در سال ۸۲۵ ق به وطن خود دمشق رفته، مدتی را به تحصیل علم حدیث نزد محمد بخاری مشغول شد. ابن عربشاه در سال ۸۳۲ ق جهت ادای فریضه حج به مکه معظمه رفته و در سال ۸۴۰ ق به قاهره عزیمت نمود. در آنجا نیز دست از تعلیم و تعلم بازداشت تا این که عاقبت به سال ۸۵۴ ق در همان شهر از دنیا رفت. ابن عربشاه آثار زیادی از خود برجای گذاشت که ارتباطی با تاریخ تیمور ندارد. تنها کتاب تاریخی وی، همان "عجایب المقدور فی اخبار تیمور" یا زندگی شگفت‌آور تیمور است. این کتاب پس از دیباچه، با شرح نسب و نژاد امیر تیمور شروع شده سپس شرح جنگ‌ها و فتوحات او را در گوشه و کنار سر زمین‌های اسلامی آورده است. ابن عربشاه هیچ‌گونه نظمی را در سیر لشکرکشی‌های تیمور رعایت نکرده و در واقع برای نوشتن تاریخش شیوه گزینشی را انتخاب کرده است. ابن عربشاه حنفی مذهب بود و کتابش را از نگاهی دشمنانه و کاملاً خصومت‌آمیز نسبت به امیر تیمور و فرزندانش نگاشت. او فصل آخر کتابش را به شرح خصوصیات و ویژگی‌های شخصی تیمور اختصاص داده است. از آن جایی که ابن عربشاه از نویسندگان درباری تیمور نبوده، در نوشتن شرح احوال تیمور و اقدامات او بی‌می نداشته است و دیده‌ها و شنیده‌های خود را بدون هرگونه ترس و اکراهی به نگارش درآورده است. از این روی می‌تواند منبع ارزشمندی جهت سنجش و ارزیابی نوشته‌های سایر نویسندگان و مورخان عهد تیموری به شمار رود. هرچند در قضاوت‌های وی درباره رفتارهای سیاسی، مذهبی تیمور و سلاطین تیموری باید جانب احتیاط رعایت شود. چون همان طور که گفته شد او از موضعی کاملاً دشمنانه کتابش را به نگارش درآورده است. این کتاب در سال ۱۳۳۹ برای اولین بار توسط محمد علی نجاتی ترجمه شده و در انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسیده است.

درباره رویدادهای تاریخی عهد تیموری باید به تعدادی تواریخ ارزشمند محلی و سلسله‌ای نیز اشاره کرد. یکی از آن‌ها "تاریخ یزد" اثر جعفر بن محمد بن حسن جعفری

است. جعفری از سادات حسینی نسب یزد بوده که ظاهراً شغلی دیوانی در دستگاه حکام یزد داشته است. این کتاب، اولین تاریخ محلی است که در تاریخ و جغرافیای یزد در قرن نهم هجری به نگارش درآمده است. کتاب از نثری روان برخوردار بوده و گاهی لغات و اصطلاحات فنی نیز در آن به کار رفته است که در سایر کتب مشابه دیده نشده است. این منبع اطلاعات ارزشمندی درباره اتابکان یزد، سلاطین آل مظفر، شرح عمارات و بناهایی که در دوره تیمور و شاهرخ در آن شهر ساخته شده و شرحی از آثار و بناهای مذهبی و فرهنگی شهر در دوران مختلف تاریخی دربر دارد. این کتاب توسط شادروان ایرج افشار در سال ۱۳۳۸ تصحیح و توسط انتشارات علمی و فرهنگی چاپ گردیده است. تاریخ محلی دیگری درباره شهر یزد در اواخر قرن نهم هجری قمری در دست است که نویسنده آن احمد بن حسین بن علی الکاتب می باشد. وی در دوران سلطنت جهان شاه قراقویونلو دست به نگارش کتاب زد. این کتاب نیز شامل اطلاعات ارزشمندی درباره اتابکان یزد، اخبار آل مظفر، ذکر عمارات امیر تیمور و شاهرخ، ذکر مساجد، مزارات مدارس، باغستان ها و آب های یزد می باشد. مطالبی که نویسنده درباره وفات شاهرخ و حوادث پس از مرگ او آورده و هم چنین گزارشی که در مورد جهان شاه در مقاله دوازدهم نوشته، ارزشمند و قابل استناد است. این کتاب نیز توسط شادروان ایرج افشار به سال ۱۳۴۵ چاپ شده است.

محمود کتبی یکی از نویسندگان درباره آل مظفر، کتابی در تاریخ این سلسله به رشته تحریر درآورده است به نام تاریخ آل مظفر. کتبی در سال ۸۲۳ق هنگامی که نسخه ای از تاریخ گزیده حمدالله مستوفی را بازنویسی می کرد، "مواهب الهی" اثر معلم یزدی، معین الدین بن جلال الدین محمد را نیز خلاصه نمود و دنباله وقایع را از سال ۷۶۷ق تا ۷۹۵ق که سال انقراض سلسله آل مظفر است، بر آن افزود. مطالب الحاقی اثر، از دومین سال سلطنت جلال الدین شاه شجاع (۷۶۵ق-۷۸۶ق) آغاز و سپس مابقی رویدادهای مربوط به این سلسله تا حمله امیر تیمور به عراق و فارس و قتل عام خاندان مظفری توسط وی و سقوط این سلسله، در آن گزارش شده است. کتبی در تاریخ آل مظفر علاوه بر استفاده از مواهب الهی یزدی و تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، دیده ها و شنیده های خود از افراد قابل اعتماد و موثق را نیز، آورده است. تاریخ آل مظفر برخلاف مواهب الهی یزدی که بسیار متکلف و منشیانه نوشته شده، دارای نثری روان و قابل درک است.

فصیح احمد بن جلال الدین محمد بن نصیرالدین یحیی معروف و ملقب به فصیح خوافی، بنا به تصریح خودش، در سال ۷۷۷ق در هرات به دنیا آمد. وی نیز مانند پدر،

یک چند عهده دار مناصب دیوانی در دربار بایسنقر و شاهرخ تیموری بود. او از سال ۸۱۸ ق تا ۸۳۶ ق که به دستور بایسنقر معزول گشت، به مقامات بلندی در دستگاه شاهرخ و بایسنقر دست یافت. ظاهراً طی همین سال های عزل و بیکاری بود که به تألیف اثر تاریخی خود اقدام نمود. در سال ۸۴۵ ق که سال اتمام کتابش بود، مورد بغض بایسنقر و شاهرخ و همسرش گوهرشاد آغا قرار گرفت و زندانی شد، اما به زودی به دستور شاهرخ آزاد شد و کتابش را که به "مجل التواریخ" مشهور است، به شاهرخ تقدیم کرد. مجمل التواریخ کتابی است در تاریخ عمومی که مرحوم محمود فرخ آن را در سه جلد به سال ۱۳۳۹ در مشهد چاپ کرد. در جلد سوم این کتاب حوادث و رویدادهای تاریخی عصر نویسنده به صورت سنواتی از ۷۰۱ ق تا ۸۴۵ ق گزارش شده است.

کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی مورخ توانای تیموری و صاحب کتاب ارزشمند "مطلع سعدین و مجمع بحرین"، در ۱۲ شعبان ۸۱۶ ق در هرات به دنیا آمد. پدرش جلال الدین اسحاق سمرقندی از اهالی سمرقند بود که در دربار شاهرخ منصب قضا داشته و پیش نماز بود. از همین روی عبدالرزاق نیز سمرقندی خوانده می شد. عبدالرزاق بعد از فوت پدر در سال ۸۷۱ ق، با نگارش شرحی بر رساله قاضی عضدالدین ای جی و تقدیم آن به شاهرخ، به دربار وی راه یافت. وی آن چنان مورد وثوق شاهرخ قرار گرفت که یک بار به رسالت از جانب وی به دربار پادشاه بیجانگر رهسپار هندوستان شد که به مدت سه سال به درازا کشید که خود شرح آن را در کتابش آورده است. عبدالرزاق در زمان شاهرخ به مأموریت های دیگری از جمله به فومن از توابع گیلان به نزد امیر محمد رشتی به سال ۸۵۰ ق نیز فرستاده شد. عبدالرزاق پس از مرگ شاهرخ، به خدمت برخی دیگر از امیرزادگان تیموری از جمله عبداللطیف، عبدالله، ابوالقاسم بابر و ابراهیم سلطان درآمد. از قرار معلوم وی از سال ۸۶۷ ق از دربار تیموریان کناره گیری کرده و در سلک صوفیان در خانقاه شاهرخیه هرات معتکف گردید. مطلع سعدین در چهار جلد به نگارش درآمد: جلد اول از تولد ابوسعید بهادر خان آخرین ایلخان بزرگ مغول تا مرگ امیر تیمور را دربردارد. این قسمت کتاب رونویسی از سایر کتب نویسندگان پیشین است، اما قسمتی که مربوط به حکومت شاهرخ می شود، به دلیل آن که نویسنده در دربار شاهرخ و سایر امیرزادگان تیموری به سر می برده، از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار است. وی بدون تردید از نوشته های شرف الدین علی یزدی و حافظ ابرو برای شرح حوادث ایام تیمور بیشترین استفاده را کرده است. درعین حال به دلیل بهره گیری نویسنده از گزارش ها و یادداشت های رسمی عهد شاهرخ و نیز مشاهده های

مستقیم خودش یکی از جامع‌ترین و معتبرترین کتاب‌های تاریخی عهد تیموری به شمار می‌رود. کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین تاریخی است که با سبکی روان و پخته به نگارش درآمده و اطلاعات ارزشمندی درخصوص رویدادهای تاریخی ایران از دوران ابوسعید بهادر خان (متوفی به سال ۷۳۶ق) تا دوران ابوسعید گورکانی (متوفی به سال ۸۷۳ق) به دست می‌دهد.

نورالدین عبدالرحمن فرزند نظام‌الدین احمد دشتی و نوه شمس‌الدین محمد دشتی اصفهانی نویسنده، شاعر و عارف بزرگ قرن نهم هجری قمری است. تخلص وی در سروده‌هایش "جامی" است. او خود در سروده‌ای گفته است که این تخلص را به دو سبب برگزیده است: اول آن‌که زادگاه او جام بوده و دیگر آن‌که نسبت به مرشد خود، شیخ الاسلام احمد جامی، ارادت خاصی داشته است.

جرعه جام شیخ الاسلامی است

مولدم جام و رشفه قلمم

دو معنی تخلصم جامی است

لاجرم در جریده اشعاره

خاندان جامی در اثر نامنی که در محله دشت اصفهان حادث شده بود، به قصبه خرچرد جام در ایالت خراسان مهاجرت کردند. جامی در سال ۸۱۷ق در همین قصبه خرچرد جام متولد شد. دوران کودکی را در جام سپری کرد و نزد پدرش آموزش دید. در نوجوانی همراه پدر به هرات کوچ کرد و در مدرسه معتبر نظامیه هرات، نزد استادان برجسته عصر به تحصیل علوم ادبی پرداخت. بعد از اینکه به قدر کافی از محضر بزرگان علم و ادب و عرفان در هرات بهره گرفت، همراه پدر به سمرقند نقل مکان کرد. سمرقند در آن دوران به همت الغ بیگ، فرزند شاه رخ و نوه امیر تیمور، یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی در جهان اسلام به شمار می‌رفت. او در اثر استعداد ذاتی و شور و شوق زایدالوصفش، به سرعت مراحل رشد و ترقی را در دو مرکز علمی هرات و سمرقند سپری کرد و در اغلب علوم متداول زمان سرآمد و استاد شد. پس از طی این مراحل بود که شوق سیر و سلوک در دلش راه جست و از سمرقند به خراسان بازگشت. در هرات به خدمت سعدالدین کاشغری (متوفی ۸۶۰ق) از عرفای زمان و مرشد طریقت نقشبندی، درآمد. بعد از سعدالدین کاشغری، یک چند به حلقه ارادتمندان شیخ عبیدالله احرار درآمد و به جرگه عرفا پیوست. جامی آثار زیادی، هم در نظم و هم در نثر از خود برجای گذارد که ازجمله آثار مهم منابع تاریخی مربوط به اواخر عهد تیموری به شمار می‌روند. آثار منظوم جامی شامل دیوان‌های سه‌گانه و هفت‌اورنگ

است. آثار منشور او شامل: بهارستان، نفحات الانس، لوائح (که شامل بیست لایحه با انشای مسجع می باشد)، اشعة اللمعات و در نهایت، نامه ها و منشآت جامی است که در سال ۱۳۷۸ توسط انتشارات میراث مکتوب، به چاپ رسیده است.

در پایان این بررسی، لازم است از نویسندگی دانشمند، چیره دست و قابل اعتماد یعنی میرخواند، صاحب یکی از ارزشمندترین منابع تاریخی عهد تیموری نیز یاد نماییم. سید محمد بن امیر برهان الدین خاوند شاه بن محمود، مشهور به میرخواند، صاحب اثری عظیم در تاریخ عمومی ایران است موسوم به "تاریخ روضة الصفا". میرخواند در سال ۸۳۷ ق یا ۸۳۸ ق در هرات و یا بنا به قولی در بلخ به دنیا آمد. او در بلخ به تحصیل علوم پرداخت و از جمله دانشمندان آن شهر گردید. وی از خاندان سید اجل بخاری بود که در ماوراءالنهر از احترام و شهرت فراوانی برخوردار بودند. میرخواند پس از تحصیل در علوم منقول و معقول، مورد توجه امیر علی شیر نوائی قرار گرفت و بنا به درخواست وی، به نگارش تاریخ روضة الصفا مبادرت جست. امیر علی شیر نوائی، وزیر سلطان حسین بایقرا و ادیبی فرهیخته شاعر و شعرشناس بود و با حمایتی که از اهل فضل و ادب می نمود، در توسعه تاریخ نگاری و ادبیات مؤثر بود. میرخواند با وجود آن که احترام و تقریبی به امیر علی شیر نوائی داشت، هرگز به کارهای دیوانی نپرداخت. او طرح اولیه اثرش را به پیشنهاد امیر علی شیر نوائی، مبتنی بر یک مقدمه، هفت قسم و خاتمه پی ریزی کرد. این کتاب، تاریخی عمومی است که از هبوط آدم آغاز و تا چند سالی از سلطنت سلطان حسین بایقرا، آخرین سلطان تیموری را دربر می گیرد. جلد ششم کتاب روضة الصفا در احوال امیر تیمور گورکانی و اولاد و احفاد اوست و چون وی در ذی قعدة سال ۹۰۳ ق در اثر مرضی مزمن درگذشت، فرصت تکمیل قسمت هفتم را نیافت. از این روی، خواندمیر نوه دختری او ادامه تألیف را برعهده گرفت و وقایعی که مشتمل بر تاریخ زندگانی سلطان حسین بایقراست، از زمان تولد تا هنگام وفات او و نیز تاریخ اولاد وی تا سال ۹۲۹ ق را به نگارش درآورد. میرخواند با سبکی شیوا و نثری روان و پخته به نگارش تاریخ پرداخت. وی برای نگارش تاریخش، از آثار مختلف فارسی و عربی که پیش از او در ذکر احوال انبیاء، خلفا، پادشاهان، علما، حکما و ملل و نحل تألیف شده بود، استفاده کرده و نام آن ها را در دیباچه کتاب یا در مواقع ذکر اخبار آورده است.

متأسفانه درباره امیر تیمور و جانشینان وی، از نویسندگان معاصر ایرانی، آثاری تحقیقی و مستند در دست نیست. اولین نویسنده بزرگ ایرانی که قصد داشت تا شرح احوال

تیمور را به صورتی جامع به رشته تحریر درآورد، مرحوم عباس اقبال بود. اقبال در صدد بود که کتاب مفصلی درباره تیمور و شرح اوضاع ایران در دوره تیموری به نگارش درآورد. او کار را شروع کرد ولی متأسفانه نتوانست آن را به پایان برساند. بخشی از یادداشت‌های وی را، انجمن آثار ملی، تحت عنوان "ظهور تیمور" در سال ۱۳۶۰ چاپ کرد.

کتاب دیگری که در زمینه تاریخ تیموریان به چاپ رسیده است، کتابی است با نام "پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویه" نوشته مهدی فراهانی منفرد. این کتاب پژوهشی است ارزشمند که صرفاً رویدادهای سیاسی، فرهنگی و ادبی دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا را به رشته نگارش درآورده است. این کتاب در سال ۱۳۸۱ توسط انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به چاپ رسیده است.

اما یکی دو اثر از نویسندگان غیرفارسی‌زبان، درباره امیر تیمور، شاه رخ و دوره تیموری به فارسی ترجمه و چاپ شده است که تا حدودی جای خالی تحقیقات نویسندگان ایرانی را پر کرده است. یکی از این آثار "تاریخ ایران" است که توسط جمعی از ایران‌شناسان به نام دانشگاه کمبریج نوشته و توسط یعقوب آژند به سال ۱۳۷۹ توسط انتشارات امیرکبیر چاپ شده است. در جلد ششم این مجموعه که ویژه دوران تیموری و صفویه است، هانس روبرت رویمر، مورخ آلمانی، بخش‌های سیاسی و اجتماعی دوره تیموری و صفویه را به رشته تحریر درآورده است. پس از چاپ تاریخ ایران، رویمر در صدد برآمد که مجموعه تحقیقات خود در دوره تیموری و صفوی را یک جا و مستقلاً به چاپ برساند. این کتاب که وقایع بین سال‌های انقراض ایلخانان تا پایان سلسله صفویه را دربرمی‌گیرد، در سال ۱۳۸۰ توسط خانم آذر آهنچی ترجمه و در انتشارات دانشگاه تهران چاپ گردیده است. در مجموع، اثر رویمر با ارزش و سودمند است، اما به نظر نگارنده، برخی نتایج سیاسی و خصوصاً مذهبی رویمر در خصوص سلاطین تیموری نیاز به تجدید نظر دارد. رونالد فریر، به طور ویژه، تجارت در عهد تیموری را مورد بررسی و تحقیق قرار داده که در نوع خود اثری ارزشمند و مفید است. هم‌چنین، برت فراگنر، اوضاع اجتماعی و اقتصادی داخلی تیموریان را نوشته که اثر وی نیز ارزشمند است؛ خصوصاً تحقیقی که درباره شیوه‌ها و اشکال زمین‌داری، از جمله سیورغال در عهد تیموری به عمل آورده است. بئاتریس فوربزمنز ایران‌شناس مشهور، دو اثر ارزشمند در تاریخ تیموریان با نام‌های "برآمدن و فرمانروائی تیمور" و "قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری" به رشته تحریر

درآورده است که در نوع خود بسیار باارزش، مستند، پژوهش محور و روشمند است. این کتاب، به خوبی نقش قبایل و ایلات ماوراءالنهری را در تحولات سیاسی و نظامی الوس جغتای مورد تحقیق قرار داده و نقش امیر تیمور را در چگونگی شکل‌گیری مجدد قدرت سیاسی در سمرقند و گسترش آن به بیرون از مرزهای آن ولایت، روشن نموده است. کتاب اول توسط منصور صفت‌گل، ترجمه و در سال ۱۳۷۷ توسط مؤسسه خدمات فرهنگی رسا چاپ شده است؛ کتاب دوم وی، توسط جواد عباسی ترجمه و در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسیده است. البته به نظر می‌رسد که ترجمه کتاب اول یک بار دیگر باید مورد تجدیدنظر قرارگیرد، خصوصاً آوا نگاری برخی اسامی ترکی و مغولی الوس جغتای.

نویسنده ترک، اسماعیل آکا، کتابی درباره تیموریان به رشته تحریر درآورده که توسط اکبر صبوری ترجمه و در سال ۱۳۹۰ توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ گردید. این کتاب در بخش اول، اوضاع سیاسی و اجتماعی ماوراءالنهر را به اجمال شرح داده و سپس دوران فرمانروایی امیر تیمور و کشورگشایی‌های او را تا پایان، بررسی کرده است. بخش‌های بعدی کتاب، درباره دوران سلطنت شاهرخ و جانشینان وی می‌باشد. در بخش پایانی کتاب، مسائل حکومتی، مذهبی، عمرانی و فرهنگی تیموریان به اجمال مورد بررسی قرار گرفته است. نظریات ارائه شده توسط وی در خصوص سیاست و گرایش‌های مذهبی امیر تیمور و سلاطین تیموری، نیاز به بازنگری دارد و چندان درخور توجه نیست. تاریخ‌نگار دیگری که درباره تیموریان تحقیقاتی انجام داده، دیوید مورگان، مغول‌شناس برجسته معاصر است. وی کتابی در تاریخ میانی ایران نوشته است به نام "ایران در قرون وسطی" که توسط عباس مخبر ترجمه و انتشارات طرح نو آن را در سال ۱۳۷۳ چاپ نموده است. بخش کوچکی از این کتاب مربوط به ایران در عهد تیموریان است. این کتاب گزارشی اجمالی از تاریخ ایران، از آغاز ورود ترکان سلجوقی در قرن پنجم هجری قمری برابر با قرن یازدهم میلادی تا به قدرت رسیدن سلسله قاجاریه در قرن دوازدهم هجری قمری برابر با قرن هجدهم میلادی در ایران است. به نظر می‌رسد برخی استنباطات وی درباره برخی از جنبه‌های سیاست نظامی و مذهبی امیر تیمور نیاز به تجدیدنظر دارد.

